

عنوان بخش

اقتصاد کلان

Ph.D



## تعریف اقتصاد کلان

■ اقتصاد کلان بررسی فعالیت‌های اقتصادی در سطح یک کشور می‌باشد. **در اقتصاد کلان به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که** ← امکانات محدود یک کشور مثل سرمایه، زمین، بودجه ... چگونه تخصیص یابد تا برای رسیدن به اهداف جامعه همچون تولید، اشتغال، ثبات قیمت‌ها ... کمک را بنماید.

■ دانش اقتصاد کلان در دهه ۱۹۳۰ توسط کینز پایه‌گذاری شد. در واقع کینز با انقلاب در مفاهیم محوری اقتصاد و نحوه نگاه به عدم تعادل‌های اقتصادی و ارائه راه‌های اصلاح آن پایه‌های اقتصاد کلان را بنا نهاد.

■ **دو اصل مهم، زمینه تحولات فکری، علمی و فرهنگی و بعدی را فراهم و مشخص کرد؛ این دو اصل عبارتند از:**

✓ اصل پذیرش تحکم علم در حوزه موضوعات مادی و فیزیکی؛

✓ اصل مراجعه به آرای عمومی در حوزه موضوعات و مسایل اجتماعی.

■ **نکته‌برتر؛ فعالیت مبتنی بر نفع شخصی (در قلمرو بازار) انسان عقلایی اقتصادی در محیط رقابتی به افزایش مستمر تولید و ثروت منجر می‌شود.**

■ **این قاعده بر سه اصل موضوعی مبتنی است:**

✓ انسان‌ها در قلمرو بازار دنبال نفع شخصی خود هستند و برای تأمین آن فعالیت می‌کنند و این با کارهای خیرخواهانه و کمک‌های انسان‌دوستانه آن‌ها در غیر از محیط بازار، منافاتی ندارد؛

✓ رفتار انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی رفتار عقلایی است. منظور از رفتار عقلایی در اینجا این است که افراد با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و سلیقه‌های خود بهترین انتخاب ممکن را انجام می‌دهند؛

✓ محیط اقتصادی یک محیط رقابتی است.

## پایه‌های خرد اقتصاد کلان

■ اقتصاد کلان به عنوان یکی از شاخه‌های دانش اقتصاد نیز باید بر پایه‌های منطقی خرد بنا شده باشد. بسیاری از منتقدان کینز اظهار می‌دارند که مشکل الگوهای کینزی این است که بر پایه‌های خرد اقتصادی بنا نشده است. کلاسیک‌های جدید مخصوصاً لوکاس چنین ادعایی دارند و می‌گویند همه قواعد کلان اقتصادی باید بر رفتار بهینه‌یابی عوامل اقتصادی فردی در حوزه تولید و مصرف مبتنی باشد و مشکل الگوهای کینزی این است که از توابع خرد و بهینه‌یابی (حداکثر کردن مطلوبیت و سود)های فردی به دست نمی‌آید.

■ بعد از انتقاد شدید کلاسیک‌های جدید به اقتصاد کینزی به خاطر نداشتن پایه‌های منطقی خرد، کینزی‌های جدید درصدد برآمدند که برای ایده‌های کینزی پایه‌های خرد ارایه کنند. آن‌ها سعی کردند اقتصاد کینزی را در مقابل ایده نئوکلاسیکی طوری تعبیر و تفسیر کنند که گویی اقتصاد کینزی بر فرض انعطاف‌ناپذیری منظومه قیمت‌ها بنا شده است و در مقابل کلاسیک‌ها قیمت‌ها را انعطاف‌پذیر می‌دانند. پس از



آن برای کندی و انعطاف‌ناپذیری قیمت‌ها و عدم تعادل‌ها و بیکاری‌ها با استفاده از نظریات اقتصاد خرد مخصوصاً نظریه رقابت ناقص پایه خرد ارایه می‌کنند.

### اختلاف نظرها در اقتصاد کلان:

■ اساساً اقتصاد یک دانش تجربی انسانی و اجتماعی است. این طور نیست که دانش اقتصاد مجموعه‌ای از مفاهیم و قواعد انتزاعی باشد و مکاتب بر اساس سلیقه و رأی خود آن‌را تفسیر کنند؛ بلکه دانش اقتصاد به خاطر حساس بودن نسبت به شرایط و فروض در اصل همان مجموعه مکاتب است. لذا اختلاف‌نظرها ناظر به اختلاف شرایط و فروض نظریات است نه اینکه انعکاس‌دهنده سلیقه‌های مختلف در مورد تلقی یک نظریه خاص با شرایط و فروض یکسان باشد. به نظر می‌رسد اختلاف کینز با اسمیت اختلاف واقعی نیست.

**نکته‌برتره: کینز چون شرایط و فروض اقتصاد کلاسیکی را در شرایط جدید در اقتصاد برقرار نمی‌بیند، متناسب با شرایط جدید نظریه می‌دهد. از روش‌شناسی متناسب با وضعیت جدید استفاده می‌کند و راهکارهای متناسب با این شرایط ارائه می‌دهد.**

■ دانش اقتصاد کلان از بدو پیدایش تاکنون مدام در معرض تحول و تطور بوده است. در ابتدا مدل ساده کینزی متناسب با شرایط رکود بزرگ طراحی و ارایه می‌شود. بعد که با نسخه‌های کینزی و مداخله دولت در تحریک افزایش تقاضا، قدری از عمق رکود کم می‌شود و پس از آن جنگ دوم جهانی اتفاق می‌افتد برای دوره بعد از جنگ مکتب نئوکینزی در چارچوب دستگاه IS-LM طرح می‌شود که در آن با علامت‌دهی دوباره نرخ بهره، تعادل همزمان بازار پول و کالا مورد بررسی قرار می‌گیرد. با سه دهه اعمال نسخه‌های کینزی و موفقیت آن در اواخر دهه ۱۹۶۰ دوباره ضرورت پرداختن به طرف عرضه خودنمایی می‌کند و دستگاه تحلیلی فریدمن و پول‌گراها وارد عرصه اقتصاد کلان می‌شود.

■ پس از آن با مطرح شدن ایده انتظارات عقلایی و لزوم تأکید دوباره بر طرف عرضه اقتصاد و مرتفع شدن دغدغه کمبود تقاضا، مکتب کلاسیک‌های جدید ظهور می‌کند و ایده‌های کلاسیکی را با شدت و قوت خاص در چارچوب کلان مطرح می‌کند که از درون این مکتب، مکتب چرخه‌های تجاری حقیقی پیدا می‌شود. پس از آن مکتب کینزی جدید ظاهر می‌شود تا کاستی‌های تجربی مکتب کلاسیک‌های جدید را جبران کرده و برای ایده‌های نئوکلاسیکی در قالب اقتصاد کلان تحت عنوان اقتصاد کلان جدید پایه‌های خرد و توجیه علمی تدارک کند. این تحولات سریع و پشت سرهم در نظریات کلان و ظهور پشت سر هم مکاتب، ناظر بر مبتنی بودن نظریات و مکاتب کلان در شرایط و فروض تاریخی خاص است که با تغییر این فروض و شرایط زمینه تحول نظریات فراهم می‌شود و نظریه‌پردازان به موقع و متناسب با شرایط جدید در راستای تکمیل کار نظریه‌پردازان قبلی نظریه منطبق بر شرایط جدید ارائه می‌دهند.

☑ **اقتصاد باز:** به اقتصادهایی اقتصاد باز گفته می‌شود که در تجارت کالاها و خدمات با سایر کشورها وارد شده و جریان ورود سرمایه به کشور یا خروج سرمایه از آن را نیز تجربه می‌کنند. امروزه تقریباً اقتصاد همه کشورها یک اقتصاد باز است.

☑ **حساب جاری:** این حساب مبادله کالاها و خدمات یعنی صادرات و واردات و دریافت و پرداخت‌های مربوط به درآمد سرمایه‌گذاری و نیز پرداخت‌های انتقالی شهروندان داخلی به خارجیان با پرداخت‌های انتقالی

خارجی‌ها به شهروندان داخلی را ثبت می‌کند. این حساب در واقع انواع جریان‌هایی که برای محصول و درآمد جاری مهم و با آن مرتبط است را ثبت می‌کند.

#### نکات بزرگ

- ① همان‌طور که در محاسبه GDP خرید و فروش انواع دارایی‌ها منظور نمی‌شود، در اینجا نیز خرید و فروش دارایی‌های خارجی در حساب جاری ثبت نمی‌شود.
- ② نکته قابل ذکر این است که خدمات در حساب جاری شامل کرایه، پرداخت‌های مربوط به حق امتیازها، پرداخت‌های بهره‌ای، خالص درآمد سرمایه‌گذاری از خارج و بهره و سود مربوط به دارایی‌های کشور در خارج منهای درآمدی که خارجیان از بابت نگهداری دارایی‌های کشور کسب می‌کنند است. پرداخت انتقالی نیز شامل بخشش، هدیه و پول فرستادن است.

✓ **حساب سرمایه:** این حساب جریان‌ات سرمایه را ثبت می‌کند که شامل خرید و فروش دارایی‌های خارجی توسط شهروندان داخلی و خرید و فروش دارایی‌های داخلی توسط شهروندان خارجی است. منظور از دارایی، سهام، اوراق قرضه، زمین و امثال آن‌هاست. مازاد حساب سرمایه (جریان خالص ورود سرمایه) وقتی به وجود می‌آید که دریافتی‌های یک کشور از ناحیه فروش سهام، اوراق قرضه، زمین، سپرده‌های بانکی و سایر دارایی‌ها به خارجیان بیشتر از پرداخت‌های آن کشور برای خرید دارایی‌های خارجی باشد.

✓ **تراز پرداخت:** این حساب معاملات بین‌المللی یک ملت یا یک کشور را ثبت می‌کند و شامل حساب جاری و حساب سرمایه هر دو است. در واقع تراز پرداخت‌ها دو جزء دارد حساب جاری و حساب سرمایه.

✓ **کسری حساب جاری:** به وضعیتی گفته می‌شود که مجموع ارزش کالاها و خدمات صادر شده به خارج، درآمد سرمایه‌گذاری در خارج و پرداخت انتقالی خارجیان به شهروندان داخلی کمتر از مجموع ارزش کالاها و خدمات وارد شده به کشور، درآمد سرمایه‌گذاری خارجیان در داخل و پرداخت انتقالی به خارجیان باشد.

✓ **تراز تجاری:** این حساب صرفاً مبادله کالاها با کشورهای دیگر را ثبت می‌کند. لذا وقتی مبادله خدمات و خالص پرداخت‌های انتقالی را هم به آن اضافه کنیم به حساب جاری می‌رسیم.

#### نکات بزرگ

- ① کسری در حساب جاری ممکن است کسری جریانی باشد یا ممکن است کسری انبارهای باشد.
- ② کسری جریانی یعنی تفاوت میان دریافتی‌ها از خارج بابت صادرات کالا و خدمات و پرداخت انتقالی و پرداختی‌ها به خارج بابت واردات کالاها و خدمات و پرداخت‌های انتقالی به خارجی‌ها در طول زمان رو به افزایش است، یعنی وضعیت کشور به گونه‌ای است که رقابت‌پذیری کالاهای داخلی در سطح بین‌المللی رو به کاهش است.
- ③ اما کسری انبارهای به معنی این است که کشور به خاطر شرایط خاص مقطعی، در یک دوره با کسری حساب جاری مواجه شده است و با برطرف شدن موانع که ماهیت مقطعی دارند دوباره تراز تجاری برقرار می‌شود. مازاد حساب جاری نیز با مازاد انبارهای است یا مازاد جریانی.



■ برای حساب سرمایه نیز چنین تقسیم‌بندی وجود دارد. توجه به تفاوت این دو مفهوم ما را در درک مسائل اقتصاد کلان باز و تعادل حساب‌های خارجی بسیار کمک می‌کند.

✓ **نرخ ارز:** در اقتصاد پولی امروز کشورها کالاها و خدمات را درون مرزهای خود با پول ملی خود مبادله می‌کنند.

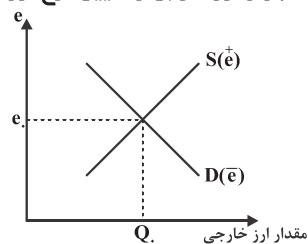
### بازار ارز خارجی

■ ارز خارجی مثل پول ملی یک کالا محسوب می‌شود و دارای بازار مختص به خود است. لذا در بعضی کشورها برای ارزهای خارجی بازار وجود دارد. هر بازار طبق قاعده کلی از دو طرف عرضه و تقاضا تشکیل شده است. بنابراین در اینجا باید منحنی عرضه ارز خارجی و منحنی تقاضای آن را معرفی کنیم. کسانی ارز خارجی را عرضه می‌کنند که کالا و خدمات به خارج صادر کرده‌اند یا جهانگردان خارجی که به کشوری می‌آیند یا کسانی که دارای خود را به خارجی‌ها فروخته‌اند و کسانی تقاضای ارز خارجی دارند که می‌خواهند با آن کالا و خدمات از خارج وارد کنند یا از خارج دارایی خریداری کنند.

■ **نکته برتره؛** لذا منحنی عرضه ارز خارجی دارای شیب مثبت است (به نمودار زیر نگاه کنید). یعنی با افزایش نرخ ارز، عرضه ارز نیز افزایش می‌یابد. با افزایش نرخ ارز اگر کشور در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات صادراتی قیمت‌گذار باشد می‌تواند با همان قیمت فروش ریالی کالاها را در خارج ارزان‌تر ارائه کند و با تقاضای صادرات بیشتری مواجه شود. بنابراین کالاها و خدمات بیشتری صادر می‌کند.

■ همچنین اگر کشور، کشوری کوچک و قیمت‌پذیر است صادرکنندگان داخلی با همان قیمت خارجی کالا، ریال بیشتری به دست می‌آورند و در نتیجه صادرات خود را افزایش می‌دهند. بنابراین با افزایش نرخ ارز کالاها و خدمات بیشتری به خارج صادر می‌شود و ارز بیشتری به دست می‌آید.

### بازار ارز خارجی و تعیین نرخ ارز



■ البته این در صورتی است که کیفیت کالاهای داخلی و رقابت‌پذیری آن‌ها در سطح بین‌المللی در سطح قابل قبول باشد و کشور به لحاظ بنیه علمی، فنی، مدیریتی و منابع فیزیکی و انسانی در جایگاه خوبی قرار داشته باشد، در غیر این صورت عوامل بازدارنده و محدود کننده دیگری اثرات مثبت افزایش نرخ ارز بر صادرات را خنثی خواهند کرد.

■ منحنی تقاضای ارز خارجی دارای شیب منفی است، زیرا وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد قیمت نسبی کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی افزایش می‌یابد و تقاضاهای واردات کالاها و خدمات و بنابراین تقاضای ارز کاهش می‌یابد. البته شیب منحنی مذکور به مقدار کشش تقاضای واردات بستگی دارد؛ اگر کشش تقاضای واردات در مواد اولیه به خارج وابسته باشد منحنی تقاضای واردات آن کم کشش خواهد بود و بنابراین منحنی تقاضای ارز خارجی آن کشور هم کم کشش خواهد بود. در صورتی بازار ارز کارا و عمیق در یک کشور شکل می‌گیرد که در آن عوامل ذره‌ای از مجاری متعدد ارز خارجی تحصیل کنند و به بازار عرضه نمایند و در آن، عوامل ذره‌ای، برای مصارف متعدد تقاضای ارز خارجی انجام دهند.